

نیازمند تلاش جدی تر

○ دکتر جعفر اسحاقی تیموری

○ دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی
○ سرپرستان تدوین: کاظم ملازاده، مریم محمدی
○ حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۳ جلد

کتاب دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی با هدف جلب توجه بیشتر مردم به میراث فرهنگی و رهایی از معماری بیگانه در ۳ مجلد به قطع وزیری به همت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی در سالهای ۷۸ - ۷۹ در تهران منتشر شد.

مجلدات دیگر این دایرةالمعارف به منظور تکمیل دوره کامل کتاب، در دست تهیه و تدوین است.

مجلد اول این دایرةالمعارف با ۴۲۷ صفحه دو ستونی و مصور به معرفی بناهای آرامگاهی اختصاص یافته است. بناهای آرامگاهی با توجه به ویژگیهای معماری، هویت اشخاص مدفون و عنوانی که به آن معروفاند به آرامگاه، امامزاده، برج، بقعه، گنبد و مجموعه آرامگاهی دسته بندی شده اند. هر یک از این رشته ها شامل مقالات متعددی است که به ترتیب الفبایی تدوین شده است. این مقالات از جنبه های مختلف مذهبی، اجتماعی، معماری، تاریخی و هنری، بناهای تاریخی را بررسی کرده اند. بیشتر مقالات دارای نما، نقشه و مقطع بناهای



تاریخی است. مجموعه آرامگاهی آستان قدس رضوی مشهد و حضرت عبدالعظیم، مفصلترین مقالات این مجلد به شمار می روند. «آرامگاه آتش خاتون» در شیراز نخستین مقاله این مجموعه در مجلد اول است.

مجلد دوم این دایرةالمعارف که در سال ۱۳۷۸ منتشر شده است به معرفی مساجد تاریخی ایران می پردازد.

این مجلد دارای ۳۱۲ صفحه متن و ۱۱۲ صفحه تصویر، نقشه و مقطع بناهای تاریخی است. «مسجد آقا محمد تقی در مراغه» نخستین

مقاله مجلد دوم است که در کمتر از نیم ستون تألیف شده است. بناهای (مساجد) تاریخی استان اصفهان نسبت به استانهای دیگر کشور، بخش بیشتری از کتاب (صص ۴۹ - ۹۹) را دربر می گیرد. مقاله های: مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع کبیر قزوین، مسجد جامع کبیر یزد، مسجد امام (شاه) اصفهان، مسجد کبود و مسجد جامع علی شاه تبریز از مفصلترین مقالات این مجلد به شمار می روند.

همان طوری که ناشر در پیشگفتار این مجلد اشاره کرده است، به منظور کسب اطلاعات جدید از بناهای تاریخی، مطالعات میدانی ممکن از مساجد نیز به عمل آمده است تا آخرین اطلاعات از تجدید بنا و تخریب آثار ارائه شود.

مجلد سوم این دایرةالمعارف که در سال ۱۳۷۹ منتشر شده، حدود ۵۰۰ بنای عام المنفعه را بررسی کرده است. این مجلد با ۲۹۲ صفحه متن و ۱۵۶ صفحه تصویر، نقشه و مقطع در قسمت انتهایی کتاب، به معرفی آب انبارها، بازارها، پلها، سدها و حمامهای تاریخی ایران اختصاص یافته است.

مجلد سوم همانند مجلد دوم براساس توزیع استانی دسته بندی شده و بناهای تاریخی هر استان به ترتیب الفبایی معرفی شده است. کلیات معماری آب انبارها، بازارها، پلها، سدها و حمامها به طور مستقل بررسی شده است. در کلیات معماری به موضوعاتی نظیر: تاریخچه، پراکندگی، نقشه و معماری، مصالح به کار رفته، اجزا و عناصر و ساختمان بناها پرداخته شده است.

«آب انبار رصدخانه مراغه» در نصف ستون، نخستین مقاله این مجلد است.

«بازار تبریز» و «بازار اصفهان» از مفصلترین مقالات این مجلد به شمار می روند. برخی از مقالات مجلد سوم مانند: پل پادامک تهران، پل قورتان



اصفهان، پل کله اصفهان، پل ورزنه اصفهان و... به صورت میدانی نیز بررسی شده‌اند. «مقاله رختشویخانه زجان» که در صفحه ۱۲۱ مجلد سوم آمده است، در مقایسه با مقالات دیگر از تناسب موضوعی همگون برخوردار نیست. این مقاله، بنای قدیمی و عام‌المنفعه رختشویخانه‌ای را توصیف می‌کند که با سنگ و آجر در محوطه‌ای مشجر بنا شده است و در دوره اخیر آن را مرمت کرده‌اند. مجموعه کتاب دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی را می‌توان از چند حیث نقد و بررسی کرد:

۱. به نظر می‌رسد کتاب فاقد اطلاعات جدید راجع به تقسیمات کشوری است. برای مثال، در صفحه ۱۵۰ از مجلد اول (مقاله شاهزاده ابراهیم)، کجور به شهری اطلاق شده است؛ در حالی که کجور نام یکی از بخشهای دوگانه در قسمت کوهستانی و سردسیر شهرستان نوشهر است. جای دیگر از همین مجلد (صفحه ۲۶۸، مقاله «بقعه جمشید کیاسلطان)، المده، قصبه و مرکز قشلاقی دشت کجور مازندران معرفی شده است؛ در حالی که المده از چند سال پیش به رویان تغییر نام داده است و اکنون یکی از شهرهای سه گانه شهرستان نور به شمار می‌رود. یا در مقاله «پل سفید» (جلد ۳، صفحه ۲۱۹) این شهر دهکده‌ای خوانده شده است. همچنین اطلاق عنوان شهرک به برخی شهرهای کوچک اطلاق نادرست است. موارد مشابه دیگری نیز در هر یک از مجلدات این دایرةالمعارف دیده می‌شود که امید است با تجدید چاپ، این نقیصه رفع شود.

۲. هیچ‌یک از سه مجلد مذکور دارای فهرست عناوین و آوانگاری نیست. همین موضوع آشنایی کلی با بناها (مدخلها) و تلفظ صحیح آنها را دشوار

کرده است. اغلب دایرةالمعارف‌ها و فرهنگنامه‌های داخل و خارج کشور به این مهم توجه دارند.

۳. ترتیب قرار گرفتن مقالات در مجلد اول، بدون توجه به دسته‌بندی جغرافیایی و استانی است که البته این نارسایی در مجلد دوم و سوم وجود ندارد. از این رو، مجلد اول از سهولت دستیابی به مقالات مورد نظر، برخوردار نیست.

۴. همان طوری که ناشر نیز در پیشگفتار اشاره کرده است، کلیه مطالعات مربوط به شناسایی، ثبت و ضبط بیشتر بناهای تاریخی، تنها از طریق تحقیقات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد مختلف فارسی و انگلیسی صورت گرفته است که این موضوع از اهمیت پژوهشی اثر می‌کاهد. بررسی میدانی بناهای تاریخی ضمن کسب جدیدترین اطلاعات از وضعیت بناها، سبب شناسایی بناهای تاریخی دیگر نیز می‌شود.

۵. با توجه به سرعت تخریب بناهای تاریخی، به ویژه آب انبارها، بازارها، پلها، سدها و حمامها، به احتمال، وضعیت کنونی برخی بناها با آنچه در کتاب آمده، بسیار متفاوت است. تعداد قابل توجهی از این بناها در طی سالیان گذشته یا به طور کامل تجدید بنا شده‌اند یا هیچ اثری از بنای قدیمی آنها نیست.

۶. شیوه و گستره مطالعه بناها به گونه‌ای است که همه جنبه‌های مختلف آن را بررسی نمی‌کند. برای مثال، در مقالات «پل الله وردی خان» (جلد ۳، صفحه ۶۵ - ۶۶)، «مسجد جامع اردستان» (جلد ۲، صفحه ۵۸ - ۶۰) «مسجد آقا بزرگ کاشان» (جلد ۲، صفحه ۵۱) هیچ اشاره‌ای به تعمیرات و تغییراتی که تاکنون روی این آثار تاریخی صورت گرفته، نشده است.

۷. مقاله «بازار» که در مجلد سوم (صفحات ۱۵ - ۱۶) آمده است، با توجه به نقش و

اهمیت بازار به منزله مرکز عمده تجاری، کامل و جذاب به نظر نمی‌رسد. منابع متعددی راجع به بازار در دسترس است. اما در نگارش این مقاله، فقط به ۷ ماخذ دست چندم مراجعه شده است. در مقابل، مقاله «پلها، سدها» که در صفحات ۱۷ - ۲۴ همین مجلد نوشته شده است، از انسجام و اطلاعات بیشتری برخوردار است.

۸. برخی از پلها و سدهای مورد مطالعه متعلق به دوره قبل از اسلام در ایران (دوره ساسانی) است.

۹. تفکیک متن مقاله از تصاویر و نقشه‌های مربوط به آن که در مجلدات دوم و سوم صورت گرفته، از جذابیت مطالعه برای خواننده کاسته است. ۱۰. مقالات مجلد سوم در مقایسه با مجلدات اول و دوم از ساختار دایرةالمعارفی مناسب‌تری برخوردار است. کاغذ و کیفیت چاپ آن نیز بهتر از مجلدات پیشین است.

۱۱. مقالات به قلم تعداد معدودی از پژوهشگران، به ویژه کاظم ملازاده و مریم محمدی است. تدوین و انتشار دایرةالمعارف با توجه به گستردگی و تنوع موضوعات، مستلزم به‌کارگیری گروههای تحقیقاتی و تخصصی متعددی است.

۱۲. با توجه به اهمیت آثار تاریخی به منزله یکی از مهمترین جاذبه‌های گردشگری، موقعیت جغرافیایی، مسافت و چگونگی راه ارتباطی این آثار برای سفر گردشگران، به درستی روشن نشده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز جامع علوم انسانی